

فلسفه چیست (۱)

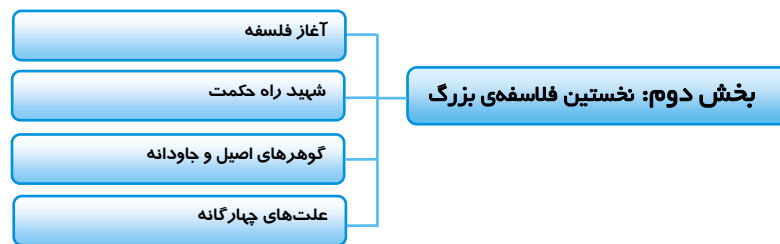
درس نامه

آگاهی از معانی چند واژه‌ی کلیدی

- واژه‌ی «سوفیست» و «سفسطه»:
- معنای اصلی سوفیست: دانشمند
- معنای بعدی سوفیست: مغالطه‌کار
- کلمه‌ی «سفسطه» در زبان عربی از لفظ سوفیست گرفته شده.
- معنای رایج سفسطه: مغالطه‌کاری
- بحث تاریخی: پیش از سقراط گروهی پدید آمدند که خود را «سوفیست» نامیدند.
- واژه‌ی «فیلسوف» و «فلسفه»:
- معنای اصلی فیلسوف: دوستدار دانایی
- معنای رایج فیلسوف: دانشمند
- معنای رایج فلسفه: دانش
- معنای عرفی فلسفه: همان معنای عمومی و رایج فلسفه در نزد مردم است که «تبیین عقلانی» است.
- معنای مشترک بین کاربرد فلسفه در گفت‌وگوهای روزمره و کاربرد آن به شکل دانش خاص: تبیین عقلانی
- لفظ فلسفه ریشه‌ی یونانی دارد.
- بحث تاریخی:
- * اولین بار فیثاغورث خود را فیلسوفوس نامید.
- * سقراط به علت «تواضع و فروتنی» و شاید «هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها» خود را فیلسوفوس نامید.
- * افلاطون، سقراط را فیلسوفوس معرفی کرد.
- ارسطو: «حیرت است که نخستین اندیشمندان (و مردم امروز) را به بحث‌های فلسفی کشانیده است.»
- فلسفه کوششی برای رفع حیرت است.

مبانی فلسفه‌ی علوم طبیعی

- ۱- واقعیت داشتن جهان (اصل واقعیت مستقل از ذهن)
 - ۲- قابل شناخت بودن طبیعت
 - ۳- درستی روش تجربه و آزمایش
 - ۴- یکسان عمل کردن طبیعت
 - ۵- تبعیت همه‌ی موجودات از اصل علیت
- مبانی فلسفه‌ی علوم طبیعی:



درس نامه

آغاز فلسفه

فلسفه در سیر تاریخ

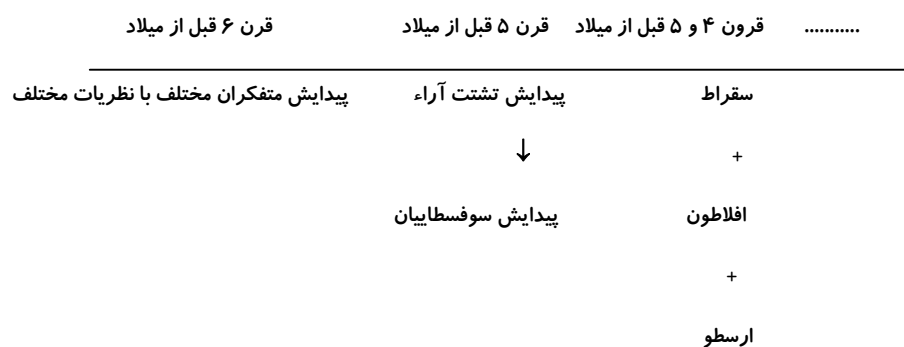
تاریخ‌نگاران فلسفه معتقدند که تأملات بشر پیرامون هستی، در ابتدا با «باورهای دینی» همراه بوده و با «زبان رمزی» بیان شده است. سرچشمه‌ی اندیشه‌های رازگونه‌ی بشر: اولاً صبغه‌ی (= ریشه‌ی) مابعدالطبیعی دارد، ثانیاً باید در میان پندارهای دینی مردم مشرق زمین جست‌وجو شود.

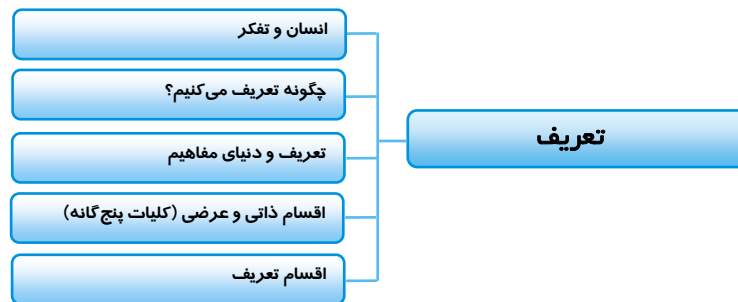
• یونان باستان:

- حدود شش قرن پیش از میلاد، فلسفه در یونان پایه‌گذاری شد.
- نخستین مجموعه‌های نوشته شده به زبان فلسفی از این سرزمین به دست آمده است.
- فلسفه در آنجا رسمیت یافت.
- زبان رمز و افسانه در تفسیر جهان، جای خود را به «زبان تعقل» داد.
- زادگاه فلسفه‌ی یونانی در آن دوره، «ایونیا» نامیده می‌شد (غرب آسیای صغیر / ترکیه‌ی کنونی).
- برتراند راسل: عوامل سازنده‌ی تمدن یونان، ابتدا در مصر و بین‌النهرین پدیدار گشته بود.

مسیر تفکرات اندیشمندان یونانی:

ابتدا آن را به صورت یک نمودار می‌آوریم و سپس توضیحات مربوط به هر قسمت را خواهیم گفت.





درس اول

درس نامه

انسان

- گل سرسبد آفرینش و برترین مخلوق خدا: انسان
- ملاک برتری انسان بر سایر مخلوقات عبارت‌اند از:
- ۱- عمل و رفتار

- ۲- قدرت تفکر } ملاکی که در طول تاریخ تکرار شده است.
- در کتب منطقی با عنوان نطق یاد می‌شود.

- گفته‌اند انسان ← حیوان ناطق است ← هدف
- نشان دادن جایگاه رفیع اندیشه در انسان
- ارسطوئیان } ارسطوئیان کسانی هستند که مبانی فکری ارسطو را پذیرفتند
- لقب ارسطو: معلم اول
- ارسطو ← کاشف منطق

تفکر و منطق

- تفکر مهم‌ترین فعالیت روح انسان است.
- منطق قواعد حاکم بر دنیای تفکر است.
- اساس تفکر ارادی نیست.
- نقش منطق ← بهره‌برداری بهتر از تفکر
- تعریف منطق ← دانشی است که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند تا انسان با آگاهی از طرز کار ذهن، بهتر از آن استفاده نماید.
- منطق مانع بروز برخی اشتباهات در هنگام تفکر می‌شود.
- منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد.
- هیچ‌کس ابداع‌کننده‌ی منطق نیست.
- کشف و تدوین کرد. } ارسطو علم منطق را
- طراحی نکرد. }
- هر کس منطق را بهتر بشناسد ← کم‌تر دچار خطا می‌شود.



درس ششم

درس نامه

- استدلال
- همین که سؤال کنیم: «چرا؟» هر چه در جواب بیاید استدلال است.
 - برای انسان استدلال نیز مانند تعریف، یک نعمت الهی است که بدون آن که متوجه باشد آن را به کار می‌برد.
 - استدلال کردن و دلیل آوردن عالی‌ترین فعالیت ذهن بشر است و با سرشت وی آمیخته است.
 - با شناخت دقیق ماهیت استدلال می‌توان به بهره‌برداری سریع‌تر و درست‌تر از این عملکرد طبیعی و فطری پرداخت.
- استدلال ترکیبی است از حداقل دو قضیه که با رعایت شرایطی به قضیه‌ی دیگری منجر می‌شود که به آن نتیجه‌ی استدلال می‌گویند.

ماده

- شکل و چگونگی قرار گرفتن جملات کنار یک‌دیگر را «صورت» و محتوایی را که در جملات قرار گیرد «ماده» می‌نامند. به عنوان مثال چوب را ماده‌ی صندلی و طرح و شکل را صورت صندلی می‌نامیم.
- به دلیل تشابه صورت استدلال‌ها می‌توان آن‌ها را در قالب نمادهایی نشان دهیم تا در هر زمان متناسب با ماده و محتوایی که داریم استدلال خود را بیان کنیم.

جایگاه قضیه در استدلال

- قضیه عبارت است از: الفاظ و کلمات مرکبی که روی هم رفته یک جمله‌ی بامعنی را می‌سازند و درباره‌ی چیزی خبر می‌دهند و می‌توان راجع به راستی یا دروغ بودن آن‌ها سخن گفت.
- استدلال‌های منطقی متشکل از قضایا هستند و محتوای این قضایا ممکن است از راه‌های گوناگون چون حس، تجربه، حدس علمی و قرارداد اجتماعی به دست آید اما در قالب استدلال از شکل خاص و ضوابط معینی پیروی می‌کنند.

اقسام قضیه

- قضایا در اولین مرحله به دو قسم «حملی» و «شرطی» تقسیم می‌شوند:
- ۱- حملی: صفت یا حالتی از چیزی را بیان و مطلبی را به آن بدون هیچ قید و شرطی نسبت می‌دهیم. قضیه‌ی حملی از سه جزء موضوع، محمول و نسبت تشکیل شده است.

مثال: خدا بزرگ است.
موضوع محمول نسبت

- ۲- هر گاه در ساختن قضیه، به جای این که از چیزی خبر قطعی دهیم از شرط استفاده کنیم قضایای شرطی داریم. این قضایا از دو جزء مقدم و تالی تشکیل شده‌اند.

مثال: اگر درسی بخوانی قبول می‌شوی.

مقدم تالی

- نکته:** موضوع، همیشه کلمه‌ای نیست که در ابتدای قضیه ذکر شود و در قضیه‌ی شرطی «مقدم» همیشه در ابتدای جمله نمی‌آید. بلکه نقش کلمه در جمله مهم است.

مثال: پایتخت ایران تهران است.
محمول موضوع نسبت